

مطالعه ای پیرامون یادگیری موقعیتی

ایرج فیروز فر^۱، عبدالله عالی شیرمرد^۲

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد، اراک، ایران.

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد، اراک، ایران.

چکیده

یکی از سؤالاتی که همیشه مطرح بوده این است که آیا شناخت یا دانش درونی، کلی و قابل انتقال است یا وابسته به زمان و مکانی است که در آن ساخته می‌شود؟ سازنده‌گرایان به ویژه پیروان نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی برخاسته از نظریه ویگوتسکی، معتقد به شناخت موقعیتی و یادگیری موقعیتی هستند و می‌گویند دانش و یادگیری را نمی‌توان از بافت یا موقعیتی که در آن یاد گرفته می‌شود جدا کرد. به سخن دیگر آنچه ما می‌آموزیم هم ماهیت اجتماعی دارد و هم وابسته به زمینه است و هم به موقعیت خاصی که در آن آموخته می‌شود گره خورده است. هر دانشی به مقاصد و موقعیت‌هایی که در اصل برای آن‌ها ساخته شده است وابسته است. با توجه به ویژگی‌هایی شناخت موقعیتی انتقال یادگیری اتفاق نمی‌افتد؛ یعنی یادگیری‌هایی که در یک موقعیت معین صورت می‌پذیرند در موقعیت‌های دیگر قابل استفاده نیستند.

واژه‌های کلیدی: شناخت، شناخت موقعیتی، یادگیری، یادگیری موقعیتی، سازنده‌گرایی.

مقدمه

یادگیری موقعیتی نوعی رویکرد آموزشی است که توسط جان لیو و اتین ونگر در اوایل دهه ۱۹۹۰ پیرو ۹ تمایل وانگیزه بیشتری برای یادگیری کسب می‌کنند معرفی و مطرح شده است. یادگیری موقعیتی در اصل در صدد ایجاد و استخراج معنی از لابه‌لای فعالیت‌های واقعی زندگی روزمره می‌باشد که در آن یادگیری بر اساس محیط آموزشی رخ می‌دهد. (تیلور و همکاران، ۲۰۱۴)

در یادگیری موقعیتی از روش‌های مشارکتی به عنوان روشی برای اکتساب دانش استفاده می‌شود. دانش از طریق تعامل بین دانش‌آموز با سایر افراد و همچنین محیط اطراف ایجاد شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. موضوعات آموزشی از طریق نشانه‌های موجود در محیط و از طریق گفتگو و تبادل نظر بین جامعه نمود می‌یابد. ساختار یادگیری در بطن خود تجربه نهفته است و نه در موضوع آموزشی. دانش از طریق فرایندی که عملی و تمرین کور خوانده می‌شود کسب می‌شود. روش عملی، فرایندی است که در آن فرد راهکار انجام یک کار را توسط یک نفر متخصص مشاهده می‌کند و برای اولین بار در صدد حل مسئله برمی‌آید. تمرین باعث بهبود و تسلط در استفاده از دانش آموخته شده می‌شود. یادگیری موقعیتی نه تنها از تجارب پیشین نشأت می‌گیرد بلکه به معنی غوطه‌وری و قرارگیری در بطن تجربه است. (استین، ۱۹۹۸).

مفهوم یادگیری موقعیتی

دیوئی و ویگوتسکی معتقدند یادگیری دانش‌آموزان بیشتر از طریق مشارکت فعال در فرایند یادگیری رخ می‌دهد تا صرفاً گوش کردن به سخنرانی معلم. یادگیری موقعیتی به معنی ایجاد و استخراج معنی از فعالیت‌های واقعی زندگی روزمره است. این مفهوم حاکی از آن است که یادگیری از طریق روابط اجتماعی و در بطن شرایط فرهنگی و از طریق برقراری ارتباط بین دانش قبلی و زمینه‌ها و شرایط جدید رخ می‌دهد.

مدل یادگیری موقعیتی بخشی از نظریه لیو و ونگر است که حاکی از آن است که یادگیری نباید صرفاً به معنای انتقال دانش قلمداد شود. بلکه یادگیری نوعی فرایند فعال است. به اعتقاد آنان این نوع یادگیری در محیط‌های واقعی و اصیل اجتماعی و فیزیکی تحریک و برانگیخته می‌شود.

نظریه یادگیری موقعیتی توجه ما را از سمت ذهنیت افراد به سمت ارتباط و پیوند میان ذهن‌های مختلف و همچنین از ویژگی‌های انفرادی افراد یا از محیط آن‌ها به سمت تعامل میان افراد و نیز تعامل میان افراد و محیط آن‌ها معطوف می‌کند؛ یعنی یادگیرندگان صرفاً افرادی مجزا نیستند بلکه حکم افرادی را دارند که در جامعه فعالیت محور مشارکت می‌کنند. (یوان و همکاران، ۲۰۰۴)

کارآموزی یکی از مهم‌ترین مفاهیم عملی در یادگیری موقعیتی است. این سبک از کارآموزی یادگیری باعث می‌شود فراگیران و دانش‌آموزان وارد جوامع عملی شوند و این مسئله مزایای متعددی به دنبال دارد:

- * دسترسی به منابع اجتماعی برای دانش‌آموزان اهمیت زیادی دارد.
- * دانش‌آموزان در زمینه‌های موقعیتی اهداف و انگیزه‌های قدرتمند دارند.
- * دانش‌آموزان از طریق مشارکت در عمل به درک جدیدی از امور دست می‌یابند.
- * ارتباط میان همسالان باعث تسهیل یادگیری می‌شود.

یادگیری موقعیتی بر این ایده تأکید دارد که آن چیزی که یاد گرفته می‌شود مختص آن شرایط یا زمینه‌ای است که یادگیری در آن رخ می‌دهد.

یادگیری موقعیتی منجر به ایجاد معنی از لابه‌لای فعالیت‌های واقعی زندگی روزمره می‌شود. با لحاظ کردن موضوعات آموزشی در تجارب جاری فراگیران و با ایجاد فرصتی ایده‌آل برای تجربه موضوعات در خلال چالش‌های دنیای واقعی، دانش کسب شده و یادگیری از کلاس درس به شرایط عملی منتقل می‌شود. قرار دادن یادگیرندگان در موقعیت واقعی به معنی قرار دادن فکر و عمل در مکان و زمان خاص است. (استین، ۱۹۹۸)

تجربه یادگیری موقعیتی دارای چهار اصل عمده است:

- (۱) یادگیری بر پایه فعالیت در موقعیت‌های روزمره استوار است.
 - (۲) دانش به صورت موقعیتی کسب شده و صرفاً به موقعیت‌های مشابه منتقل می‌شود.
 - (۳) یادگیری محصول سبک تفکر، ادراک، حل مسئله و تعامل می‌باشد.
 - (۴) یادگیری جدای از عمل و فعالیت نیست.
- این اصول چهارگانه باعث تمایز یادگیری موقعیتی از سایر روش‌های تجربی اکتساب دانش می‌شود. در یادگیری موقعیتی، دانش‌آموزان محتوای آموزشی را از طریق فعالیت‌های عملی یاد می‌گیرند نه از طریق اکتساب دانش در مجموعه‌هایی که به شیوه سنتی و انتزاعی توسط معلمان سازماندهی شده است. موقعیت‌ها طوری ارائه می‌شوند تا مهارت‌های ذهنی و روانی حرکتی دانش‌آموزان به چالش کشیده شود. (استین، ۱۹۹۸).

لیو معتقد است یادگیری به همان صورتی که در شرایط عادی رخ می‌دهد تابعی است از فعالیت، زمینه و فرهنگی که یادگیری در آن رخ می‌دهد (یعنی موقعیتی است).

این امر در تضاد با اغلب فعالیت‌های یادگیری در کلاس درس است که عمدتاً شامل دانش انتزاعی و خارج از زمینه و موقعیت است. تعامل اجتماعی مهم‌ترین رکن یادگیری موقعیتی است. یادگیرندگان وارد یک جامعه عملی می‌شوند که این جامعه تجسمی از باورها و رفتارهایی است که باید توسط افراد اکتساب شوند. (کرزلی، ۲۰۱۱)

ذوفن (۱۳۸۵) معتقد است باید از شیوه‌های سنتی آموزش معلم محور فاصله بگیریم و به شیوه‌های نوین یادگیری - یاددهی که همبستگی بیشتری بین آموزش و محیط واقعی حرفه ایجاد می‌کند روی آوریم و یادگیرندگان را در محیطی پرورش دهیم که ارتباط آنچه که به آن‌ها آموزش داده شده و آنچه که در موقعیت واقعی حرفه‌ای به آن نیاز دارند را بهتر درک کنند و به کارگرانی باکفایت و شایسته در انجام وظایف حرفه‌ای تبدیل شوند.

هرینگتون و الیور بیان می‌دارند یادگیری موقعیتی یعنی یادگیری در موقعیت واقعی انجام کار. طرفداران یادگیری موقعیتی به یادگیری به عنوان فرایندی اجتماعی که در زمینه مشابه موقعیت واقعی اتفاق می‌افتد نگاه می‌کنند.

یادگیری موقعیتی نظریه یادگیری دانش و مهارت در زمینه واقعی کاربرد آن است و نه تنها موجب افزایش انگیزه و رضایت یادگیرندگان می‌شود بلکه چگونگی استفاده از دانش در موقعیت واقعی کار را به آن‌ها می‌آموزد و انتقال دانش به محیط جدید را تسهیل می‌کند. از نظر طرفداران یادگیری موقعیتی، هنگامی که یادگیری در بافت و موقعیت اصلی آن ایجاد شود موجب افزایش انگیزه و بهبود یادگیری می‌شود.

اگن و کاوچاک (۲۰۰۱) به پژوهش‌هایی استناد کرده‌اند که این موضوع را ثابت می‌کند. از جمله اینکه بعضی وقت‌ها افرادی که می‌توانند عملیات ریاضی پیشرفته‌ای را در حرفه‌هایی چون فروش کالا یا توزیع شیر انجام دهند نمی‌توانند همان عملیات را برای حل کردن مسائل مشابه کلاسی به کار بندند. اگر این استدلال را بپذیریم می‌توانیم این‌گونه نظر بدهیم که عملیات ریاضی که در کلاس درس آموخته می‌شوند قابل استفاده در محیط خارج از مدرسه نیستند. مگر اینکه بکوشیم تا موقعیت‌های واقعی محیط خارج از مدرسه را ایجاد کنیم و این روشی است که پیروان نظریه سازنده‌گرایی با نام تکنیک‌های اصیل یا فعالیت‌های اصیل توصیه می‌کنند. منظور از تکنیک‌ها یا فعالیت‌های اصیل، تکنیک‌ها یا فعالیت‌های عینی و واقعی هستند نه انتزاعی و نمادی (سیف، ۱۳۸۹).

کورتی و فیلد بیان می‌دارند: اگر چه مهم‌ترین هدف یادگیری بدست آوردن توانایی انجام کار و استفاده از آن در موقعیت‌های حرفه‌ای است ولی تحقق این هدف با استفاده از شیوه‌های آموزش رسمی که امروزه تأکید بسیاری از مؤسسات آموزشی و خصوصاً دستگاه‌ها بر آن است به طور کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. مفاهیم انتزاعی که از این طریق آموزش داده می‌شوند قابل تعمیم به محیط واقعی کار نیستند و به عنوان مشکل فاصله‌ای بین آموختن و عمل مطرح می‌شوند. برای حل این مشکل بعضی از طراحان آموزشی استفاده از یادگیری موقعیتی در زمینه واقعی را پیشنهاد می‌کنند. هدف یادگیری موقعیتی کمک به یادگیرندگان در به دست آوردن و حفظ توانایی‌هایی است که در آینده در زندگی حرفه‌ای با آن روبه‌رو می‌شوند.

جوبی و هانافین نیز به ضرورت موقعیتی کردن یادگیری اشاره می‌کنند و معتقدند دانش و ابزارها تنها زمانی قابل درک هستند که در موقعیت واقعی از آن‌ها استفاده کنیم. پس یادگیری باید موقعیتی و وابسته به شرایط واقعی انجام کار باشد. اسمیت و کولینز معتقدند استفاده از کامپیوتر می‌تواند ما را در تولید محیط یادگیری موقعیتی توانمندتر کند و یادگیرندگان از این طریق می‌توانند در شرایط شبیه به واقعی آنچه که می‌خواهند را یاد بگیرند.

طرفداران مکتب ساخت‌گرایی معتقدند که افراد دانش خود را بر اساس تجربه‌هایی که به دست آورده‌اند می‌سازند (ذوفن، ۱۳۸۵). ساخت‌گراها معتقدند که دانش از طریق تعامل با محیط اطراف حاصل می‌شود. کوب، دافی و کاتینگهام بین ساخت-گرایی شناختی و ساخت‌گرایی اجتماعی تفاوت قائل می‌شوند. ساخت‌گرایی شناختی ریشه در افکار ویگوتسکی دارد. از نظر ویگوتسکی یادگیری حاصل پیوستن یادگیرنده به بافت اجتماعی و فرهنگی است که یادگیری در آن اتفاق می‌افتد. ویگوتسکی معتقد است دانشی که برای انجام کار حرفه‌ای مورد نیاز است ریشه در درون فرد ندارد بلکه در منابع تاریخی، فرهنگی و موقعیتی انجام کار ریشه دارد. از نظر ونگر بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی که یکی از اصول زیربنایی یادگیری موقعیتی است دانستن حاصل مشارکت فعال در جهان است.

لیو معتقد است یادگیری موقعیتی تنها به دست آوردن کاربرد دانسته‌های گذشته نیست بلکه نوعی غوطه‌وری در تجربه‌های به دست آمده است. در یادگیری موقعیتی محتوا، زمینه، اجتماع، یادگیرنده و مشارکت با هم تلفیق می‌شوند.

طرفداران یادگیری موقعیتی معتقدند که یادگیری می‌تواند به دو شکل اتفاق بیافتد:

(۱) یادگیری از فرد متخصص: در این حالت فرد متخصص به منظور آموزش نوآموز عملی را انجام می‌دهد و نوآموز به مشاهده می‌پردازد. این مدل در سال ۱۹۹۵ توسط گریفن مورد استفاده قرار گرفت.

(۲) نوآموز به مشارکت پیرامونی می‌پردازد: در این حالت کل جامعه یادگیرنده به انجام عملی مبادرت می‌ورزند و نوآموز با مشاهده سایر اعضای گروه، به یادگیری می‌پردازد. این مدل توسط لیو و ونگر مورد استفاده قرار گرفت.

فلسفه یادگیری موقعیتی ریشه در کارهای دیوئی، ویگوتسکی و گیبسون دارد. از نظر دیوئی برای انتقال دانش باید به زمینه و جامعه‌ای که دانش در آن شکل می‌گیرد توجه کرد. او آموزش را فرایندی پرورشی نامید که در آن اعضای رشد یافته جامعه افراد نوآموز را از طریق تعاملات اجتماعی هدایت و همراهی می‌کنند و محیط را عاملی دانست که موجب تشویق یا بازداری یادگیری می‌شود.

از نظر الین در رویکرد یادگیری موقعیتی عقیده بر این است که دانش به دنبال تعامل یادگیرنده با جامعه یادگیرنده در زمینه معتبر بدست می‌آید و یادگیری فرایند تعامل اجتماعی و مشارکت در زمینه معتبر است.

از نظر ریدر و سیمون برای آنکه بتوانیم محیطی متضمن یادگیری موقعیتی را فراهم کنیم شرایط زیر لازم است:

(۱) یادگیری باید در موقعیت واقعی ایجاد شود.

(۲) آموزش انتزاعی با مثال‌های عینی در کارهای روزمره تلفیق شود.

(۳) یادگیری باید در زمینه‌ای پیچیده و متشکل از افراد، موقعیت‌ها و کارها اتفاق افتد. یادگیری در زمانی که یادگیرندگان توسط شبکه با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و با یکدیگر به یادگیری می‌پردازند به بهترین نحو انجام می‌شود.

یکی از ارکان مهم یادگیری موقعیتی کارآموزی شناختی است. در کارآموزی شناختی^۱ یادگیرنده کارها را تحت سرپرستی فرد متخصص انجام می‌دهد و به تخصص می‌رسد. عبارت کارآموزی شناختی اولین بار توسط کولینز و همکاران بیان شد.

رویکرد کارآموزی شناختی ایجاد معنا در طی فعالیت‌های صحیح و معتبر است و یادگیرندگان را قادر می‌سازد که ابزارهای شناختی خود را در محیطی معتبر به کار گیرند و به فرهنگ کار و تمرین وارد شوند. تأکید بر شناختی بودن کارآموزی شناختی به مفهوم دستیابی به دانش فراتر از دانش‌های معمول یادگیری کلاس‌های سنتی است. در کارآموزی شناختی به جای آنکه یادگیرنده پاسخ سؤال خود را در کتاب‌ها و کتابخانه‌ها بیابد درک خود را از طریق تعاملات اجتماعی بهبود می‌دهد و به

^۱ Cognitive apprentice shipe

حل اشتراکی مسئله در فرهنگ همان مسئله می‌پردازد.

از دیگر استراتژی‌های آموزشی یادگیری موقعیتی تمرین‌های چندگانه و تکرار به منظور رسیدن به تسلط بر انجام کار است. بلوم اعتقاد دارد که حداقل ۹۰ درصد از یادگیرندگان اگر زمان کافی و مواد مناسب را در اختیار داشته باشند می‌توانند به هدف یادگیری دست یابند. (ذوفن، ۱۳۸۵).

هنگامی که یادگیری به صورت موقعیتی اجرا می‌شود شیوه‌های سنتی ارزیابی کفایت خود را از دست می‌دهد. سؤالات چندگزینه‌ای که تنها دانش و یادآوری را اندازه‌گیری می‌کنند باید با سؤالات شناختی تعویض شوند. ارزیابی باید بر فرایند یادگیری، درک و حل مسئله متمرکز شود. تأکید ارزیابی باید بر درکی باشد که هر یادگیرنده از محیط به دست می‌آورد و هماهنگ با موقعیت و در برگیرنده شیوه‌های گوناگون باشد. در طراحی و اجرای برنامه‌های یادگیری موقعیتی استفاده از فن‌آوری، توانمندی‌های شگفت‌انگیزی را ایجاد نموده است. استفاده از آموزش از راه دور و آموزش الکترونیکی از این دست می‌باشد. (نعیمی حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

مثال‌هایی درباره یادگیری موقعیتی

* سفرها و اردوهای علمی که طی آن دانش‌آموزان فعالانه وارد یک محیط ناآشنا شده و در آن مشارکت می‌نمایند.

* انجام کارآموزی که طی آن دانش‌آموزان وارد محیط کاری شده و به فعالیت اقدام می‌کنند.

* تمرین موسیقی و ورزش که در این فعالیت‌ها موقعیت اصلی این رویدادها تکرار می‌شود.

* آزمایشگاه‌ها و مراکز مهدکودک و مراقبت از کودکان که به عنوان کلاس درس به کار رفته و در آن دانش‌آموزان در فعالیت‌هایی که به نوعی الگویی از شرایط کاری اصلی هستند مشارکت می‌کنند.

مثال‌های فوق نشان می‌دهد که در یادگیری موقعیتی دانش‌آموزان فعالانه به حل مشکلات واقعی در زندگی می‌پردازند، دانش‌آموزان در بطن نظریه یادگیری قرار می‌گیرند و اکتساب دانش به بخشی از فعالیت یادگیری، زمینه و فرهنگی که این دانش در آن شکل گرفته و مورد استفاده قرار می‌گیرد مربوط می‌گردد.

بدین ترتیب دانش‌آموزان از طریق تجربیاتی که با خود به محیط یادگیری می‌آورند دانش و اطلاعات خود را شکل و ساختار می‌بخشند. موفقیت یادگیری موقعیتی وابستگی مضاعف به تعامل اجتماعی دارد.

یادگیری موقعیتی حاکی از آن است که یادگیری از طریق رابطه بین افراد رخ داده و دانش پیشین به موقعیتی اصیل، غیررسمی و اغلب ناخواسته و غیراختیاری پیوند می‌خورد. در چنین شرایطی دانش‌آموز از مبتدی به خبره و ماهر تبدیل می‌شود چرا که به مرور دانش‌آموزان فعالیت و مشارکت بیشتری در محیط اجتماعی دارند؛ بنابراین محیط اجتماعی از طریق مشارکت و اشتراک‌گذاری فعالیت‌های هدفمند به شکوفایی رسیده و رشد می‌کند. یادگیری موقعیتی دانش‌آموزان را وارد فعالیت‌های مشارکتی می‌نماید که در آن دانش‌آموزان برای استفاده از مهارت‌های تفکر انتقادی و توانایی‌های حرکتی به چالش کشیده می‌شوند. این فعالیت‌ها باید به درون خانه، جوامع محیطی و محل کار نیز منتقل شوند. دانش‌آموزان در عین غوطه‌وری در این تجارب، بر روی دانش پیشین خود تأمل کرده و فرضیات سایر دانش‌آموزان را به چالش می‌کشند. (تیلور و همکاران، ۲۰۱۴).

نتیجه‌گیری

* در یادگیری موقعیتی زمینه یادگیری از اعتبار و ارزش بسیار برخوردار است.

زمینه با محیط واقعی و معتبر انجام کار یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یادگیری موقعیتی است. زمینه شامل مواردی چون افراد، محیط و فرهنگ می‌باشد.

* در یادگیری موقعیتی افراد از طریق مشاهده و تعامل با دیگران در بافت یادگیری و مشارکت جامعه یاد می‌گیرند و به تولید دانش می‌پردازند. هنگامی که افراد به تعامل با دیگران می‌پردازند مفاهیم و طرح‌واره‌های جدیدی ساخته می‌شوند که از مفاهیم و طرح‌واره‌های قبلی پیچیده‌ترند. در این وضعیت یادگیری از طریق تعاملات غیررسمی با دیگران، ساخت دانش با آن‌ها،

اعتماد کردن به هم‌گروهان و به دست آوردن ارزش‌ها و فرهنگ نو در جامعه مشارکت‌کننده ایجاد می‌شود.
* یادگیری موقعیتی نیازمند به پذیرش یادگیری مبتنی بر حل مسئله است. یادگیرندگان باید مشکل را شناسایی کنند، منابع را بشناسند، اولویت‌ها را برقرار کنند، راه‌حل‌های جایگزین را بیابند و بهترین راه حل مسئله را انتخاب کنند. (نعیمی حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

* برای طراحی برنامه یادگیری موقعیتی باید موارد زیر در نظر گرفته شود:

(۱) بافت و زمینه معتبر^۱: بافت و زمینه معتبر چگونگی استفاده از دانش در زندگی واقعی را نشان می‌دهد و درباره مشکلات و چالش‌های دنیای واقعی است. برای ایجاد زمینه مناسب می‌توان از تصاویر متحرک یا فیلم‌های نشان‌دهنده موقعیت، بیان داستان‌های مرتبط با زمینه واقعی زندگانی و ایفای نقش در کلاس استفاده کرد.

(۲) فعالیت‌های معتبر^۲: فعالیت مشابه و مرتبط با موقعیت واقعی انجام کار است. برای ایجاد فعالیت‌های معتبر می‌توان از سؤال-های گسترده پاسخ و تمرین‌هایی که به فعالیت و بررسی موضوع از دیدگاه‌های گوناگون نیازمند باشند و یا از گفتگوهای بر خط استفاده کرد.

(۳) دسترسی به عملکرد تخصصی و فرایند الگوسازی: یادگیرنده قبلی از انجام کار باید بتواند عملکرد فرد متخصص را در مواجهه با مسئله ببیند و از آن به عنوان الگوی فعالیت‌های خود استفاده کند برای این منظور می‌توان از فیلم‌هایی که در آن عملکرد متخصص نشان داده می‌شود استفاده کرد.

(۴) تولید اشتراکی دانش: یادگیری موقعیتی بر ساخت اجتماعی دانش تأکید می‌کند و فرایندی فعال در جهت تشکیل هویت اجتماعی است. برای این منظور می‌توان از گفت‌وگوهای بر خط استفاده کرد.

(۵) تأمل^۳: تأمل به این معناست که یادگیرنده کار خود و سایر افراد گروه را نقد و تجزیه و تحلیل کند و آن را با نحوه کار یک متخصص و یا سایر افراد گروه مقایسه کند.

(۶) بیان دیدگاه‌ها^۴: به این معناست که افراد گروه روشی را که برای حل مسئله در موقعیت بکار گرفته‌اند با دیگر افراد گروه به اشتراک بگذارند و دانش ضمنی^۵ به دانش صریح^۶ تبدیل شود. برای این منظور می‌توان از گفت‌وگوهای آنلاین استفاده کرد.

(۷) سکوبندی آموزشی یا چارچوب‌گذاری و راهنمایی^۷ که به معنای افزایش توانایی نوآموز تحت حمایت مربی و توانایی به دست آوردن عملکرد تخصصی است. چارچوب‌گذاری آموزشی را می‌توان از طریق ارائه نکته‌ها، اشاره‌ها بازخورد در مورد چگونگی عملکرد دانشجویان انجام داد.

در سکوبندی آموزشی، یادگیری با توجه به سطح مهارت فعلی یادگیرنده حمایت می‌شود و هدف آن است که یادگیرنده به سطح بالاتر یادگیری و تخصص برسد.

(۸) ارزیابی معتبر: هنگامی که یادگیری به صورت موقعیتی اجرا می‌شود شیوه‌های سنتی ارزیابی کیفیت خود را از دست می‌دهند. ارزیابی یادگیری موقعیتی باید بر فرایند یادگیری، درک و حل مسئله متمرکز شود. (نعیمی حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

منابع:

۱. ذوفن، شهناز (۱۳۸۵)، کاربرد فناوریهای جدید در آموزش، تهران: انتشارات سمت.
۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: دوران.
۳. نعیمی حسینی، فخرالزمان و زارع، حسین و هرمزی، محمود و شقاقی، فرهاد و کاوه، حسین (۱۳۹۰)، طراحی و

¹ authentic context

² authentic activity

³ reflection

⁴ articulation

⁵ tacit knowledge

⁶ explicit knowledge

⁷ Scaffolding and coaching

اجرای برنامه آموزش مبتنی بر یادگیری موقعیتی و تعیین اثر ملاحظه ای آن بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. مجله مطالعات آموزش و یادگیری.

۴. نعیمی حسینی، فخرالزمان و زارع، حسین و هرمزی، محمود و شقاقی، فرهاد و کاوه، حسین (۱۳۹۰)، تاثیر یادگیری موقعیتی تلفیقی بر انگیزش تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و اضطراب امتحان دانشجویان. مجله پژوهش های برنامه درسی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.

۵. نعیمی حسینی، فخرالزمان و زارع، حسین و هرمزی، محمود و شقاقی، فرهاد و کاوه، حسین (۱۳۹۰)، مقایسه تاثیر آموزش مبتنی بر یادگیری موقعیتی با آموزش مبتنی بر سخنرانی بر انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز تهران. رساله دکتری. تهران: دانشگاه پیام نور مرکز تهران.

6. John. R. Anderson, Lynne. M.Reder,Herbert.A.Simon. (1996). Educational Researcher.
7. KearSley. G. (2011). Situated Learning (J.Lave). The Theory Into Practice Database Retrieved From <http://tip.psychology.org>
8. Stein. D (1998).Situated Learning In Adult Education.ERIC.
9. Taylor & Francis. (2014).Situated Learning Faculty Development And Instructional Design Center.
10. Yuan.Yu & Mckelvey.B (2004).Situated Learning. Nonlinear Dynamics, Psychology,and Life Sciences
11. http://hlwiki.slais.ubs.ca/index.php/situated_learning_theory

A Study about Situated Learning

Iraj Firoozfar¹, Abdollah Aali Shirmard²

Curriculum Development Ph.D. Student. Azad University. Arak. Iran.

Curriculum Ph.D. Student. Azad University. Arak. Iran.

Abstract

One of the questions that has always been raised is whether knowledge or knowledge is internal, general, and transferable, or depends on the time and place in which it is constructed. The constructivists, in particular, followers of the theory of social constructivism derived from the theory Vygotsky believes in situational recognition and situational learning, and they say that knowledge and learning cannot be separated from the context or context in which they are learned. In other words, what we learn is also a social nature, both dependent on the field and tied to the particular situation in which it is learned. Every knowledge depends on the intentions and situations that were originally created for them. Given the characteristics of the learning situation, learning does not occur. Learning that takes place at a given location cannot be used in other situations.

Keywords: Cognition, Situational Recognition, Learning, Situational Learning, Constructivism
